

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### تفاوت ما بین قوای انتظامیه در رژیم طاغوتی و جمهوری اسلامی

فرق مابین قوای انتظامیه در نظام و در رژیم طاغوتی و قوای انتظامی در رژیم اسلامی این است چون رژیم طاغوتی مبنایش بر استفاده‌های شخصی و رساندن انتفاع به کسانی که ارتباطات خارجی با آنها دارد و می‌خواهد حفظ کند او را، ناچار آن رژیم به ملت خیانت می‌کند، می‌خواهد از چنگ ملت برآید و به جیب خودش و ارباب‌هایش بکند چنانچه مشاهده کردید و کردیم. از این جهت قوای انتظامی که آن رژیم می‌خواهد این است که جوری تربیت بشود که حفظ همان منافع او را بکند و چون خیانتکار است از ملت می‌ترسد و چون می‌ترسد می‌خواهد که یک قوای درست کند که ملت را بترساند. اینکه قوای انتظامی در رژیم‌های غیر انسانی و غیر توحیدی کوشش دارند که مردم را سرکوب کنند و بترسانند، این برای این است که خودشان از مردم می‌ترسند و چون خیانتکارند می‌ترسند، از این جهت ارتش را جوری درست می‌کنند، تربیت می‌کنند که در مقابل ملت بایستد. ملت را از ارتش جدا می‌کنند، ژاندارمری را، شهربانی را، اینها را طوری تنظیم می‌کنند که از ملت جدا باشد و با ملت مخالف باشد. این برای این است که چون دستگاه از ملت می‌ترسد و می‌خواهد که اینها با ملت روابط نداشته باشند و مخالف ملت باشند و ملت هم مخالف اینها و لهذا قوای انتظامی در امثال ایران، نه در خود ایران تنها در امثال این کشورها طوری هستند که با مردم در جهت واقع هستند. مردم از قوای انتظامی بیزارند و قوای انتظامی هم مردم را می‌خواهند سرکوبی کنند و تمام اساس این است که آنها برای اینکه خودشان را حفظ کنند یک قوای تربیت می‌کنند که این قوا آنها را حفظ کند و از ملت جدا باشند. شما می‌دانید که اگر چنانچه این محمد رضا می‌خواست از یک خیابانی در چند روز دیگر عبور کند، آن جاهانی که در مسیر او بود کنترل می‌شد. خانه‌های اطراف خیابان باید یا خالی بشود یا مأمور انتظامی بروند آنجاها پاس بدهند برای اینکه در یک عبوری می‌ترسید، از مردم می‌ترسید مردم را هم می‌ترسانند از باب اینکه می‌ترسیدند از مردم، می‌ترسیدند از باب اینکه خیانتکار بودند. خیانت منشاء این شد که یک شخص خائن، اسباب این شد که تمام قوای انتظامیه‌ای که باید در خدمت مردم باشد اینها را می‌کشیدند به ضد مردم، مردم از شما جدا بودند، مستغفر هم بودند، شما هم از مردم جدا بودید و خیال می‌کردید باید تو سر مردم بزنی. اما رژیم اسلامی اینطوری

۵۸/۵/۱  
بی این  
طبقات  
خواهد از  
جهت  
ایکند و  
ملت را  
سرد را  
ستارند  
د. ملت  
ت جدا  
که اینها  
قوای  
م در دو  
بی کنند  
این قوا  
است از  
اطراف  
عبوری  
بند از  
قوای  
مستفر  
نظوری

نیست برای اینکه آن کسی که میداد امر است، خیانتکار نیست وقتی خیانتکار نیست از ملت نمی ترسد، ملت به او وفادارند، قوای انتظامی در آن رژیم برای حفظ ملت است و برای این است که به مردم خدمت بکنند. وقتی که قوای انتظامی اینطور تربیت شد که به مردم خدمت بکنند، آنها خدمتگزار ملت می شوند، ملت هم خدمتگزار است از او پشتیبانی می کند. اینکه در آن رژیم شهربانی ها مثل وقتی که مردم اسم شهربانی می شنیدند یا اسم سازمان امنیت را می شنیدند می لرزیدند به خودشان و می ترسیدند از اینها و از شما روگردان بودند این برای این بود که وضع را اینطوری پیش آورده بودند؛ در این ممالکی که اینها همه می خوانند مردم را بچاپند، خزائن مردم را ببرند و خدمت بکنند به ارباب هاشان، اینها ناچارند که برای این کار یک قوای تهیه کنند مناسب با این کار و اینطور تربیت می کردند، قهرآ آن کسی وارد می شد در شهربانی یا وارد می شد در ژاندارمری یا وارد می شد در ارتش، به این ترتیب وارد می شد، از آن طرف شاهدوستی را باید خیلی تزریق کنند که هر روز بخوانند به گوش سربازهای جوان و از آن طرف مردم را از اینها جدا بکنند. حساب مردم احساب علیحده، شهربانی با مردم هیچ رابطه ای نداشت مگر اینکه این رابطه که یکی را بساوزند آنجا و کتکش بزنند و خبیث بکنند و آن ترتیب.

مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی، خودشان را از هم جدا ندانند. شما امروز در رژیم اسلامی واقع هستید یعنی رژیمی که اساسش بر این است که مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی خودشان را از هم جدا ندانند. شما خودتان را از آنها بدانید، آنها هم خودشان را از شما بدانند و با آغوش باز از شما پذیرائی کنید، شما کوشش کنید که این معنی را در ذهن مردم با اعمالتان وارد کنید شما پنجاه ساله آید، شما که سن تان جوانید - مردم - ملت - پنجاه و چند سال از این لباس بدی دیده آید، از وقتی که شهربانی را دیدند، دیده آید که این شهربانی معنایش این است که آدم را بزند و بگیرد و حبس کند و زجر بدهد و از او چیز بگیرد، از ارتش هم همین طور؛ از ژاندارمری هم همین طور، پنجاه سال ملت ما اینطور دیده قبلا هم اینطور دیده. اما حالا آنکه ما واردش هستیم این را تا بخوانید از ذهن مردم بیرون کنید یک قدری طول دارد لکن می توانید که شما این چیزی که در ذهن آنها در این پنجاه سال رفته است از آنوقتی که چشمش را باز کرده است از سازمان امنیت ترسانندش و از ارتش ترسانندش و از ژاندارمری ترسانندش، این را باید با عمل کاری بکنید که از قلب او بیرون بیاید و بفهمد که امروز غیر دیروز است.

قوای نظامی در صید اسلام با وجود تجهیزات ناقص برد و امپراطوری بزرگ غلبه کردند

امروز روزی است که ملت با این قشرهای انتظامی زقیقت و دوستند و برادرند. آنها می خواهند حفظ کنند این انتظامات را برای ملت، ملت وقتی دید که این طایفه خدمتگزار او هستند و محبت به او

می کنند، نسبت به کسی که خدمت به او می کند، حفظ می کند نظم مملکتش را، قهراً علاقه مند می شود. شما کوشش کنید که همین معنایی که الان هست که بنا این است که رژیم جمهوری اسلامی رژیم مردمی باشد، همه با هم باشند. قوای انتظامی مردم همانطور که در صدر اسلام بوده است که از خود این مردم بودند، اینطور نبوده است که آن کسی که استاندار یک جایی می شده، می خواهد برود مردم را بچاید، در آن زمانها اینطور بودند. این را یادم هست، که حالا در چه وقتش بود نمی دانم، اگر یک کسی را استاندار آذربایجان - مثلاً - می کردند، اجاره می دادند به آنها، یعنی این آدم باید مثل پسنجاه هزار تومان یاده هزار تومان آنوقت بدهد به آن کسی که باید این را سر آن کار بگذارد (نخست وزیرش، خودش یا صدر اعظمش) باید اینقدر بدهد که برود استاندار آذربایجان شود. این به آنجا که می رفت چون اجیر است و اینقدر گرفته باید دو مقابل، آنجا بگیرد یا بیشتر تا اینکه خوب، هم مال الاجاره را بدهد، هم نفع ببرد. وضع اینطور بود که اجاره بندی بود، آذربایجان چون بزرگتر بود زیادتیر، همدان چون کوچکتر بود کمتر، همه روی یک اجاره بندی خاصی بود که روی این اجاره بندی استاندار تعیین می شد یا فرض کنید که فرماندار تعیین می شد، این وضعها در اسلام نیست، این بساط در اسلام نیست، آن هم که در صدر اول است و بالاتر از همه به حسب نظامش هست، با سایرین در یک طبقه نشسته اند، با هم دوستند، رفیقند، صحبت می کنند و تفاهم دارند با هم و لهذا یک لشکر و یک ارتش، آنوقت که اسمش را نمی شد ارتش بگذارید یک عده عرب بودند که اینها چندتاشان یک شمشیر داشتند، چندتاشان یک اسب داشتند، اینها غلبه کردند بر این دوتا امپراطوری بزرگ که امپراطوری روم بود و ایران، بزرگترین امپراطورها آنوقت اینها بودند. این یک مشت عرب از باب اینکه قوی نبودند، ایمان داشتند و از ملت بودند و اینطور نبود که بخواهند برای استفاده یک کاری بکنند، می خواستند خدمت بکنند اینها، در مقابل آنها ایستادند و از آن طرف با اینکه عدد زیاد بود و تجهیزات زیاد بود - و عرض می کنم که - اسبها کذا و زین اسبها طلا و اینها لکن روحیه نداشتند، اینها را از یکی از جنگ های بستندشان در ذوالسلاسل دیگر، می بستند اینها را که مبادا فرار کنند، بازنجیر می آوردند که جنگ بکنند. عربها شمشیر را کشیده بودند و ریختند همه اینها را از بین بردند و یک عدد کمی با تجهیزات ناقص، یعنی ناقص که نمی شود اصلاً اسم تجهیزات روی آن بگذاری یک چند تا شمشیر و یک چند تا اسب و یک چند تا شتر و اینها برای اینکه روحیه اینها روحیه مادی بود، ضعیف، روحیه آنها روحیه معنوی بود و قوی.

#### به مملکت رسول خدا و صاحب الزمان خدمت کنید

شما امروز شهربانی دولت جمهوری اسلامی هستید، افرادتان یکی یکی باید ملاحظه این را بکنند که من در شهربانی اسلامی دارم کار می کنم رئیس شهربانی هم باید همین معنا را در ذهنش بیاورد، جمعیتان هم باید همین معنا در ذهنش باشد که ما در یک مملکتی می خواهیم شهربانی بکنیم که این مملکت مال امام زمان سلام الله علیه است، مال حضرت امیر سلام الله علیه، مال پیغمبر است. ما

رأ علاقه مند می شود.  
ری اسلامی رژیم  
ه است که از خود این  
سواهد بیرون مردم را  
می دانم، اگر یک کسی  
آدم نباید مثل پنجاه  
ارد (نخست وزیرش،  
به آنجا که می رفت  
هم مال الاجاره را  
بود زیادتر، همدان  
ه بندی استاندار تعیین  
باط در اسلام نیست،  
یک طبقه نشسته اند،  
ک ارتش، آنوقت که  
یک شمشیر داشتند،  
میرا طوری روم بود و  
که قوی نبودند، ایمان  
می خواستند خدمت  
ت زیاد بود و عرض  
اینها را در یکی از  
ازنجیز می آوردند که  
و یک عدد کمی با  
یک چند تا شمشیر و  
بود، ضعیف، روحیه

باید ملاحظه این را  
بین معنارادر ذهنش  
باهیم شهربانی بکنیم  
مال پیغمبر است. ما

داریم خدمت به پیغمبر و اسلام می کنیم، ما نباید به مردم حالا — عرض کنم که — قدرت فروشی بکنیم،  
خیال بکنیم ما یک قدرتمندی هستیم و مردم چیزی نیستند، اگر این کار را بکنید محبوب مردم نیستید،  
دل هاتان مطمئن، آرام، وقتی شب می روید منزل بادل آرام منزل می خوابید هیچ تشویشی در کار نیست،  
اما اگر یک رژیمی باشد که مخالفت بخواهد بکند حتی آن کسی که ظالم است به حسب نوع مردم، مگر  
بعضی شان که دیگر متبدل به یک حیوانی شده اند آنها ناراحتند از اینکه اذیت کنند مردم را، این یک  
چیز جبلی است، آدم وقتی هم به یکی اذیت بکند خودش هم ناراحت می شود. اما در این رژیم باید همه  
با دل راحت انشاء الله و با قدرت، اما قدرت برای اشخاصی که فساد می کنند، و با رحمت برای دوستان  
خودتان، «انشاء علی الکفار رحماء بینهم» دستور خداست که وصف مؤمنین این است که در مقابل  
اجانب می ایستند قوی، بین خودشان دوست و رفیق و رحیم و اینها.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته